

تبیین میزان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی

در روستاهای پیرامون شهری

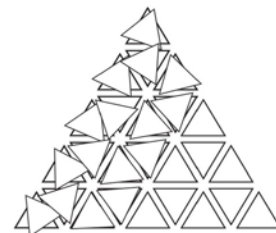
(مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان شهریار)*

محمود جمعه‌پور^۱

شهرزاد طهماسبی تهرانی^۲

دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵

پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۰



فصل‌نامه برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی
Journal of Physical - Spatial Planning

سال اول - شماره سوم - تابستان ۹۲
شماره استاندارد بین‌المللی ۴۱۸-۲۳۲۲

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی کیفیت زندگی و زیست‌پذیری در روستاهای بخش مرکزی شهرستان شهریار در پیرامون شهر تهران است. کیفیت زندگی با زیست‌پذیری ابعاد و شاخص‌های مشترکی دارد به‌گونه‌ای که برای سنجش زیست‌پذیری از کیفیت زندگی به عنوان یک رویکرد رایج در محث سنجش زیست‌پذیری استفاده می‌شود. مسیر تحقیق نیز مبتنی بر کیفیت زندگی مکان محور است. روش گردآوری اطلاعات، علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای، روش پیمایشی است. و با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه را ۳۶۳ نفر تشکیل دادند و واحد تحلیل خانواده و، از آن میان، سرپرستان خانواده تعیین شدند. برای انتخاب روستاها با استفاده از روش طبقه‌بندی، روستاها و سپس، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، هفت روستا انتخاب شد. سرانجام، با استفاده از روش تخصیص متناسب، سهم هر روستا از پرسشنامه‌ها معلوم شد. ابعاد سه گانه اقتصادی (اشتغال و درآمد، مسکن، حمل و نقل، امکانات زیرساختی و آموزشی)، اجتماعی (بهداشت و سلامت، همبستگی و مشارکت اجتماعی، پیوستگی و تعلق مکانی، امنیت فردی و اجتماعی) و زیست محیطی (کیفیت محل از لحاظ عدم وجود آلودگی) این روستاها بررسی شد. برای پاسخگویی به سؤالات از آزمون T تک نمونه‌ای و خی دو استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که سطح کیفیت زندگی و زیست‌پذیری در روستاهای در سطح نازلی قرار دارند و افراد میزان کیفیت زندگی و زیست‌پذیری را در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، به صورت معناداری، پایین ارزیابی می‌کنند. تفاوت معناداری نیز از نظر میزان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای واقع در منطقه تحقیق وجود دارد.

کلیدواژه: زیست‌پذیری، کیفیت زندگی، روستاهای پیرامون شهری، بخش مرکزی شهرستان شهریار، تهران.

۱. دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی - عضو هیات علمی دانشگاه، نویسنده مسئول.

پست الکترونیک: mahjom43@gmail.com

۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای.

پست الکترونیک: shahrzad.tahmasbi@gmail.com

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی الگوی زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای پیرامون شهری (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان شهریار)" است به راهنمایی دکتر محمود جمعه‌پور و مشاوره دکتر خلیل کلانتری.

مقدمه

همپای افزایش چشمگیر مهاجرت از روستا به شهر در نیم قرن اخیر، برخی روستاها خودپذیرنده مهاجر هستند. مهاجرینی که توانایی مالی زندگی در شهرها را ندارند؛ از این رو به سبب وجود زمین و مسکن ارزان قیمت و، همچنین، گسترش نسبی شبکه حمل و نقل بین شهری و سهولت دسترسی، در روستاهای پیرامون شهرها سکنی می‌گزینند. این سرریزی جمعیت پیامدهایی بردارد که یکی از آنها دگرگونی و تغییر در حاشیه شهرهاست. روستاها از این دگرگونی‌های بی‌نصیب نمی‌مانند و تحولاتی در ساخت اجتماعی - اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی آنها رخ می‌دهد و گاهی سبب شکل‌گیری سکونتگاه‌هایی با روح روستایی اما احساس شهری می‌شود که ما آن را روستا - شهر و یا شهرنشینی روستایی می‌نامیم که همانا ترکیب و ادغام ساختارهای اجتماعی شهری و روستایی در حاشیه مراکز شهری است. روستاهای پیرامون شهری، از نظر اقتصادی و سیاسی، به شهرها وابسته هستند و معمولاً نه غالباً - به عنوان شهرهای خوابگاهی هم در نظر گرفته می‌شوند؛ چرا که مهاجرینی که به قصد شغل و ... به کلان شهرها و شهرهای بزرگ آمده‌اند، به سبب ناتوانی در تهیه مسکن، به ناچار در پیرامون شهرها، که ارزان‌تر هستند، سکنی می‌گزینند .

روستاهای پیرامون شهری، در واقع، سکونتگاه‌هایی هستند که از یک سو، به سبب نزدیکی با شهر از بعضی مزایا و خدمات بهره می‌برند و از سوی دیگر، به دلیل همین نزدیکی، با مشکلاتی روبرو هستند که بر کیفیت زندگی و زیستشان تأثیر می‌گذارد. توسعه شهرک‌ها و روستاهای خوابگاهی، مهاجرپذیری، نامشخص بودن مرز شهر و روستا، آمیختگی اجتماعی و قومیتی از ویژگی‌های روستاهای پیرامون شهری هستند و از محدودیت‌ها و مشکلات آنها می‌توان به خطرات کالبدی مربوط به سکونت در مساکن نامناسب و نامن، نبود حداقل بهداشت محیط، محرومیت از انواع خدمات رفاهی و تسهیلات زیربنایی و کیفیت نازل زندگی و سطح زیست‌پذیری پایین اشاره کرد؛ چرا که اجتماع زیست‌پذیر، اجتماعی است که مسکن مناسب، خدمات و حمایت‌های اجتماعی و گزینه‌های حمل و نقل کافی، آموزش و تنوع فرهنگی را فراهم آورد. این شرایط، در مجموع، استقلال فردی و مشارکت مدنی و اجتماعی ساکنان را فراهم می‌آورد (AARP, 2005: P2). کیفیت زندگی نیز، به شدت، متأثر از زمان و مکان است و مؤلف‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده آن، با توجه به دوره زمانی و مکان جغرافیایی، فرق خواهند کرد. در این میان، کیفیت زندگی مردم و مکان‌های روستایی به عوامل زیادی وابسته است: میزان در دسترس بودن مشاغل با دستمزد مناسب، دسترسی به خدمات مهمی چون آموزش، بهداشت، سلامت، محیط طبیعی، امنیت. این در حالی است که مردم شهر نیز، به یک اندازه، به این نیازها وابسته هستند؛ اما مقیاس کوچک و تراکم اندک سکونتگاه‌های روستایی، نبود تنوع شغل و درآمد

کافی در بخش کشاورزی فاصله و دوری از سایر مراکز سکونت‌گاهی، عدم وجود راه‌های مناسب و سیستم حمل و نقل کارآمد، اجرای سیاست‌های ضروری برای احیای کیفیت زندگی روستایی را پیچیده‌تر می‌کند (Bullock, 2014: p22).

در سه دهه گذشته، کشورهای در حال توسعه با رشد فزاینده جمعیت شهری مواجه بوده‌اند. اغلب این رشد جمعیت شهری در حاشیه کلانشهرها و شهرهای بزرگ اتفاق افتاده است. تحولات جمعیتی منطقه کلانشهری تهران نیز نشان می‌دهد که در سه دهه گذشته جمعیت شهر تهران تنها ۳/۲ برابر و جمعیت پیرامونی منطقه کلانشهری تهران ۷/۸ برابر شده است؛ یعنی بخش عمده اضافه جمعیت منطقه کلانشهری تهران در مناطق پیرامونی آن ساکن شده‌اند. به نظر می‌رسد عواملی چون گرانی قیمت زمین و مسکن در نقاط شهری و فقدان ساز و کارهای نظارتی مشخص در مناطق روستایی، به ویژه در امر ساخت و ساز، در رشد مناطق روستایی مؤثر بوده است (متوسلی، اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۶). تهران نیز، به عنوان یک مادرشهر ملی، با ورود روزافزون مهاجران مواجه است و این قبیل نواحی روستایی اطراف مادرشهر، به عنوان عرصه‌ای تکمیلی برای کارکردهای تهران، بخشی از نقش سکونتی - خوابگاهی شهر را پذیرا می‌شود. شکل‌گیری و گسترش این روستاها در اطراف تهران پدیده‌های خودجوش و فاقد هرگونه برنامه‌ریزی بوده است. جذب جمعیت در این روستاها نه از طریق تمرکززدایی از کلان شهر تهران، بلکه از طریق جذب جمعیت مهاجرین عمدتاً روستایی از سایر نواحی کشور، که دست کم در کوتاه‌مدت امکان سکونت در تهران را ندارند، اجرا شده است. بنابراین، شکل‌گیری و گسترش روستاهای مذکور در اطراف تهران نه تنها فشار جمعیتی بر تهران را کاهش نداده بلکه، غیرمستقیم، آن را افزایش نیز داده است.

در مجموع، گسترش کارکردهای سکونتی - خوابگاهی در نواحی روستایی جنوب شرق، جنوب و جنوب غرب تهران سبب بروز دگرگونی‌های عمیق اجتماعی - اقتصادی و کالبدی شده است. اگر با نگرش مسئله‌ای به این تحولات بنگریم، پیامدهای منفی - مانند تغییر کاربری اراضی کشاورزی، آلودگی محیط زیست، افزایش قیمت زمین و مسکن و، در نتیجه، ایجاد مشکل برای روستائیان بومی، رکود فعالیت‌های کشاورزی و دامپرو، همچنین، تضادهای اجتماعی و فرهنگی در روستاها - در این تحولات مشاهده می‌شود. (رضوانی، ۱۳۸۱: ۹۱).

شهرستان شهریار، سومین شهر مهاجرپذیر بعد از تهران و کرج، به سبب مجاورت با تهران و، همچنین، به سبب وجود فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و ساختمانی جاذب جمعیت جویای کار، به خصوص کارگران ساده، است. مهاجران شهرستان شهریار بیشتر در نقاط روستایی ساکن شده‌اند که این وضعیت نشان‌دهنده جاذبه بیشتر نقاط روستایی شهرستان برای مهاجرین به دلایل مختلف، از جمله سهولت تأمین زمین و مسکن و فقدان محدودیت‌های ساخت و ساز در نقاط روستایی، در طی سال‌های

مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی"، پس از بیان چارچوبی از تحقیقات انجام داده شده در زمینه کیفیت زندگی، به بیان انواع مدل‌های ساختاری کیفیت زندگی پرداخته و سپس، برای سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی، مدلی را پیشنهاد داده است؛ جمع‌پور و رشنودی (۱۳۹۰) در مقاله "بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون با تأکید بر کیفیت زندگی (مورد مطالعه: دهستان فیروزآباد شهرستان سلسله)" به بررسی نقش شهر فیروزآباد به عنوان یک کانون شهری کوچک در توسعه نواحی روستایی پیرامون با تأکید بر کیفیت زندگی در سنجش توسعه روستایی پرداخته‌اند؛ جان نیلسون و همکارانش (۲۰۰۶) در مقاله خود به نام "سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در سنین پیری)، به شناسایی عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی و بررسی ارتباط آن با سرمایه‌های فردی و اجتماعی در سطح جامعه در میان افراد مسن در مناطق روستایی بنگلادش پرداخته‌اند.

آوه و کوک (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "کیفیت زندگی اجتماعی در بین ساکنان نواحی روستایی: یک مدل یکپارچه" به بررسی رابطه بین رضایت از کیفیت مسکن، پیوستگی اجتماعی و رضایت اجتماعی و مکانیزم‌های پیچیده پیش‌بینی رضایت اجتماعی در بین ساکنان نواحی روستایی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان‌دهنده نقش مؤثر پیوستگی اجتماعی، رضایت از مسکن در پیش‌بینی رضایت اجتماعی است. همچنین سرمایه اجتماعی، به طور مستقیم، بر پیوستگی و رضایت اجتماعی و، به طور غیرمستقیم، بر رضایت از مسکن تأثیرگذار است.

رساله دکتری محمد امین خراسانی در دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران با عنوان "تبیین زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی (مطالعه موردی شهرستان ورامین)"، اولین پژوهش در زمینه زیست‌پذیری روستاها به شمار می‌آید. خراسانی در کنار بررسی مفاهیمی چون زیست‌پذیری و کیفیت زندگی، به بررسی مفاهیم حومه‌نشینی، پیرامون شهر و روستاهای پیرامون شهری و ... می‌پردازد و، در نهایت، دست به تدوین شاخص‌های مناسب و بومی برای سنجش زیست‌پذیری می‌زند. در پایان نتیجه می‌گیرد که روستاها از نظر زیست‌پذیری در شرایط مناسبی قرار ندارند و ابعاد اقتصادی و اجتماعی زیست‌پذیری روستاها در سطح متوسط و بعد زیست محیطی در وضعیت نامطلوب قرار دارد. علیرضا بندرآباد (۱۳۹۰) در کتاب شهر زیست‌پذیر، از مبانی تا معانی در ابتدا خواستگاه اندیشه‌های نوین شهرسازی را بیان می‌کند و، سپس، به ادبیات موضوع زیست‌پذیری و شهر زیست‌پذیر، به تفصیل، مفصل می‌پردازد و وجوه افتراق و اشتراک شهر زیست‌پذیر با سایر نظریه‌های شهری معاصر را مشخص می‌سازد و، از این طریق، به مدل‌های مفهومی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده شهر زیست‌پذیر دست می‌یابد و مدل را در رابطه با مناطقی از شهر تهران مورد آزمایش و سنجش قرار می‌دهد؛ در سال ۲۰۱۳، مطالعه‌ای با عنوان "شاخص‌های اجتماع

گذشته بوده است، این موارد، سبب تغییر برنامه‌ریزی نشده کاربری اراضی، کمبودهای شدید خدماتی و ... گردیده است و روستاهای آن را با آمیختگی اجتماعی و قومیتی، سکونت در مسکن نامناسب و ناامن، فقدان بهداشت محیطی لازم و کافی و ... مواجه ساخته است. در نتیجه، این روستاها با کیفیت نازل زندگی و سطح زیست‌پذیری پایینی مواجه هستند. در این میان نیز فضاهای روستایی بخش شرقی شهرستان، به واسطه نزدیکی به تهران و کرج و بخش‌های خدماتی و تولیدی مستقر در محورهای تهران - قزوین و تهران - ساوه، جاذب بیشترین جمعیت مهاجر در طی ده سال گذشته بوده است. جمعیت شهرستان شه‌ریار در طی ده سال گذشته ۱۳۷۵ - تا ۱۳۸۵ به‌طور متوسط، سالانه ۷/۴۳ درصد رشد داشته است و این رشد در طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، به ۴/۱۵ درصد کاهش یافته است. به طور متوسط، در طی پانزده سال - ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ - هر سال جمعیت، شاهد رشدی معادل ۶/۳۲ درصد بوده است.

در باب شناخت ادبیات نظری و پیشینه پژوهش کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد و، از این رو، معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف بر آن مترتب است. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایت‌مندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (Emley and menon, 2007 به نقل از رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷:۳۷). اجتماع زیست‌پذیر، اجتماعی است که در آن هر یک از شهروندان، در همه سنین، قادر به مستقل ماندن و لذت بردن از کیفیت زندگی بالایی هستند. مفهوم اجتماع زیست‌پذیر توجه را به روش‌هایی جلب می‌کند که زیرساخت‌های جسمانی، اجتماعی و اقتصادی شهرها و شهرک‌ها می‌توانند به توانایی ساکنین مسن برای ماندن در منازل و اجتماع خودشان کمک کنند یا از آن جلوگیری کنند (Livable Community Indicators for Sustainable Aging in Place, ۲۰۱۳: p۲). (۲).

پیشینه پژوهش در سنجش کیفیت زندگی و زیست‌پذیری تحقیقات بسیاری است؛ از جمله، فرجی ملائی و همکارانش (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران"، به بررسی وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی با استفاده از روش مورس در نواحی مختلف شهری ایران پرداخته‌اند؛ رضوانی، منصوریان و احمدی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان "ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)" به بررسی تأثیرات ارتقای روستاها به شهر بر کیفیت زندگی ساکنان محلی از طریق مطالعه شاخص‌های ذهنی پرداخته‌اند؛ رضوانی و منصوریان (۱۳۸۷)، در مقاله خود به نام "سنجش کیفیت زندگی: بررسی

(LITERATURE REVIEW)، ده قلمرو برای زیست‌پذیری تعیین شده است (2011) و هرکدام برای سنجش زیست‌پذیری مفید می‌نماید.

انجمن تحقیق NARC به بررسی مفهوم زیست‌پذیری در متون انتشار یافته طی سال‌های ۱۹۷۶ تا ۴ اکتبر ۲۰۱۱ پرداخته است و از میان ۸۰۰ مقاله با پارامترهای تعریف شده، مجله‌هایی را که مرجع آنها سلامت حیوانات یا گیاهان، پزشکی یا مروری بر کتاب بود را حذف کرده و ۷۰۷ مجله را که مفاهیم جاری زیست‌پذیری را تحت شرایط آزمایش شرح داده بودند یافته است. پس از دسته‌بندی مقاله‌ها، با توجه به رابطه کلمات کلیدی مرتبط، یک تصویر واضح از راه‌های گوناگون شناخت حوزه زیست‌پذیری را به پژوهشگران این حوزه ارائه کرده و ده توصیفگر بسیار مشترک را مشخص نموده است:

| | |
|-------------------------|------------------|
| ۱. برنامه ریزی شهری | ۶. حمل و نقل |
| ۲. شهرها و حومه‌های شهر | ۷. اجتماع |
| ۳. سیاست‌گذاری | ۸. کیفیت زندگی |
| ۴. خانه‌سازی | ۹. توسعه اجتماعی |
| ۵. رشد شهری | ۱۰. توسعه پایدار |

بعد از تعریف و کاهش، زمینه‌های زیست‌پذیری زیر به صورت مشترکترین زمینه پدیدار شده و شیوه‌هایی را ارائه می‌دهد که دست‌اندرکاران با آن به اهداف زیست‌پذیری خود می‌رسند. این زمینه‌ها عبارت‌اند از:

| | |
|----------------------|---------------------------------|
| ۱. زیست‌پذیری | ۶. مسیرهای ایمن به مدارس |
| ۲. پایداری | ۷. طراحی / راه حل حساس به محتوا |
| ۳. رشد هوشمند | ۸. شهرسازی نوین |
| ۴. خیابان‌های کامل | ۹. توسعه حمل و نقل ساخت یافته |
| ۵. جوامع مادام‌العمر | ۱۰. جذاب‌سازی مکان |

(NARC, 2011: p5-8)

اجتماع زیست‌پذیر ویژگی‌هایی دارد که دسترسی به اجتماع را ارتقا می‌بخشد، شامل:

- محله‌های امن و قابل پیاده‌روی
- گزینه‌های حمل و نقلی
- شرایط رانندگی ایمن
- آمادگی‌های حیاتی

(Livable Community Indicators for Sustainable Aging in Place, 2013:p2)

در هر دو مفهوم ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در ارتباط با یکدیگر دیده می‌شوند. برای تبیین مفهوم کیفیت زندگی، مدلی را شفر و همکارانش در سال ۲۰۰۰ ارائه کردند. در این مدل، بر سه قلمرو اجتماع، محیط و اقتصاد تأکید شده است. مزیت این مدل این است که تقابل بین قلمروها صریحاً معین شد و تصویری از مفاهیم زیست‌پذیری، کیفیت زندگی و و پایداری در

زیست‌پذیر برای مکان زندگی مناسب سالمندان"، اجتماع زیست‌پذیر را اجتماعی تعریف می‌کند که گزینه‌های متنوعی از خانه‌های دسترسی‌پذیر، مناسب و دیدارپذیر را فراهم می‌کند؛ بنابراین، سالمندان مکانی را برای زندگی دارند. در ادامه، به بیان این مطلب می‌پردازد که اجتماع زیست‌پذیر طیف گسترده‌ای از خدمات و پشتیبانی و فرصت‌هایی برای مشارکت در زندگی همچون مراقبت‌های بهداشتی، خدمات پشتیبانی، خدمات و خرده‌فروشی‌های عمومی، غذای سالم و یکپارچگی اجتماعی را فراهم می‌کند. در مقاله‌ای با عنوان "مطالعه تجربی شاخص‌های زیست‌پذیری زیست‌محیطی شهری برای چین، فانگ و همکارانش (FANG and et al, 2010) با ذکر این نکته که امروزه بیش از ۵۰ درصد از مردم در شهرها زندگی می‌کنند و این مقدار در سال ۲۰۵۰ به دو سوم جمعیت جهان (۶ میلیارد نفر) افزایش خواهد یافت، به ضرورت برنامه‌ریزی و مدیریت مؤثر در شهرها اشاره می‌کند و، در این راستا، انواعی از شاخص‌های جهانی را نام می‌برد و، در نهایت، به شاخص زیست‌پذیری محیطی (ELI) می‌پردازد و بیان می‌دارد که این شاخص می‌تواند برای کارایی محیطی، بازشناسی مسائل زیست‌محیطی، تحلیل‌های تطبیقی شهری، سیاست‌گذاری‌های مالی و سرمایه‌گذاری به کار رود. فانگ و همکارانش سپس، با استفاده از همین شاخص، به رتبه‌بندی ۳۳ شهر بزرگ چین پرداختند و دریافتند که شاخص زیست‌پذیری محیطی در جنوب چین، شهرهای ساحلی غربی و مناطق توسعه‌یافته اقتصادی بالاتر از شمال و شمال غرب و مناطق کمتر توسعه‌یافته چین است.

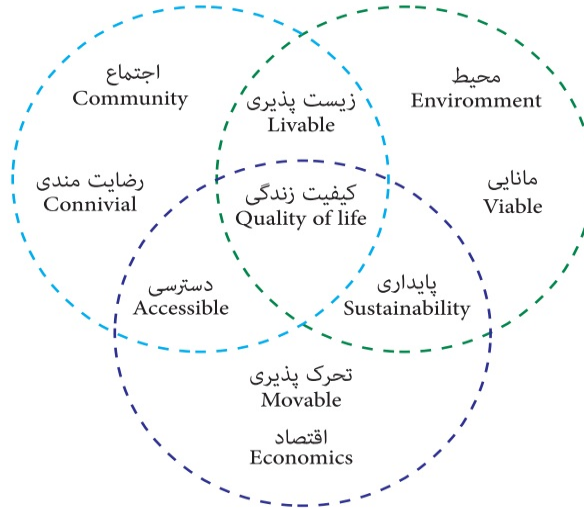
مدل‌های ساختاری گوناگونی برای تشریح و تبیین ابعاد و قلمروهای کیفیت زندگی و زیست‌پذیری ارائه شده است که قادر به پیش‌بینی احساس رضایت‌مندی مردم از کیفیت زندگی و زیست‌شان است. در این راستا، هر کدام از این مدل‌ها ابعاد و قلمروهای خاصی از کیفیت زندگی و زیست‌پذیری را بررسی می‌کند، کمبل (۱۹۷۶) به دوازده قلمرو خاص برای مطالعه کیفیت زندگی آمریکاییان توجه کرده است. هاگرتی و همکارانش هفت قلمرو را در کیفیت زندگی مورد توجه قرار داده‌اند (Hagerty et al, 2012). ریم (۲۰۰۰) به یک مدل ترکیبی از ابعاد قابل اندازه‌گیری فضایی، فیزیکی و اجتماعی از محیط توجه کرده، سرانجام، وینتوگو (۲۰۰۳) یک مدل تلفیقی از کیفیت زندگی را ارائه داده است که شامل طیفی از ذهنیات تا عینیات است (به نقل از فتاحی، ۱۳۸۹).

AARP Public Policy Institute هفت قلمروی زیست‌پذیری شامل حمل و نقل، حرکت پیاده، امنیت، فروشگاه‌ها و اماکن خرید، مسکن، خدمات بهداشتی، تفریحات و فرهنگ، و حمایت‌های اجتماعی را بر می‌شمارد (AARP, 2005:p15) اپلیارد (۱۹۸۱) هفت هدف ضروری را برای زیست‌پذیری (Caselati, 1997)؛ لنارد (۱۹۹۷) شش ویژگی برای سنجش زیست‌پذیری (خراسانی، ۱۳۹۰: ۳۶)؛ در (LIVABILITY

زندگی دو مسیر تحقیقاتی وجود دارد: مسیر اول مبتنی بر کیفیت کلی زندگی است و مسیر دوم مبتنی بر کیفیت زندگی مکان محور و یا مختص یک قلمروی خاص از کیفیت زندگی است که با توجه به موضوع پژوهش از مسیر دوم برای سنجش کیفیت زندگی و زیست‌پذیری استفاده شده است.

ارتباط متقابل با همدیگر بیان شده است (Van kamp and et al, 2003:11).

در سنجش زیست‌پذیری با دو رویکرد ادراکات افراد در مطالعات بهزیستی ذهنی و رویکرد کیفیت زندگی مواجه هستیم. (خراسانی، ۱۳۹۰: ۹۹) برای رسیدن به یک تصویر کلی از کیفیت



شکل شماره ۱: مدل مفهومی عوامل سهیم در کیفیت زندگی از دیدگاه اکولوژی انسانی
 مأخذ: van kamp and et al, 2003: 11

ماهیت تحقیق بیشتر بر رویکرد عاملیت‌گرا با هدف ارزشیابی و سنجش تأکید شده است. رویکرد ادراکی/ فردی به تحقیق در حوزه زیست‌پذیری بر رضایت و ارجحیت افراد مبتنی است جهت تعیین این موضوع که آیا یک مکان خاص، قادر به تأمین انتظارات، و نیازهای فردی و رضایت نسبی افراد هست یا خیر. محققانی که تمایل به بهبود زیست‌پذیری در مکان دارند، می‌کوشند تا رویکردهای مکان محور را با ارزیابی‌های کیفیت زندگی تلفیق کنند. رویکردی که هم از ابعاد ذهنی و هم ابعاد عینی زیست‌پذیری بهره می‌گیرد. رویکرد کیفیت زندگی بر مبنای بستر جغرافیایی شکل می‌گیرند و زیست‌پذیری را بر مبنای شرایط محلی می‌سنجند.

انتخاب و رده‌بندی زیست‌پذیرترین شهرهای جهان براساس شاخص‌های کیفیت زندگی در دو مؤسسه مرسر و اکونومیست انجام داده می‌شود؛ از اینرو، بررسی آنها ضروری می‌نماید.

اکثر معیارهای زیست‌پذیری براساس دو مفهوم اصلی هزینه زندگی (که مقدار هزینه برای خرید یک سبد نماینده از کالاها در یک منطقه جغرافیایی خاص را اندازه می‌گیرد) و کیفیت زندگی (شامل عوامل اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی در کنار داده‌های اقتصادی) است. معیارهای کیفیت زندگی به نظر می‌رسد بیشتر از مفهوم زیست‌پذیری از هزینه خالص اقدامات زندگی را در برمی‌گیرد، مانند اینکه آنها یک رویکرد جامع‌تر در نظر گرفته می‌شوند و عوامل غیراقتصادی را نیز شامل می‌شوند. معیارهای زیست‌پذیری و کیفیت زندگی برخی اطلاعاتی را که با هم هم‌پوشانی دارند را فراهم می‌کنند؛ مثلاً، هر دو معیار یک رویکرد خط پایین سه گانه شامل مفاهیم اقتصادی،

مدل‌های ساختاری گوناگونی برای تشریح و تبیین ابعاد و قلمروهای کیفیت زندگی و زیست‌پذیری توسط افراد مختلفی آورده شده است که قادر به پیش‌بینی احساس رضایت‌مندی مردم از کیفیت زندگی و زیست‌شان است. در این راستا، هرکدام از این مدل‌ها ابعاد و قلمروهای خاصی از کیفیت زندگی و زیست‌پذیری را بررسی می‌کنند. نه رویکرد نظری مرتبط با مطالعات کیفیت زندگی و دو رویکرد مرتبط با مطالعات زیست‌پذیری (رویکرد ادراکات افراد و مطالعات بهزیستی ذهنی و رویکرد معیارهای اجتماعی برای کیفیت زندگی) وجود دارد. رویکردهای عاملیت‌گرا بر جنبه‌های فردی کیفیت زندگی و بر کنشگری فرد در شکل‌دهی به فرایندها تأکید دارد. این رویکرد در بحث از کیفیت زندگی برای عاملیت انسانی نقش محوری را لحاظ می‌کند و بر این باور است که کیفیت زندگی بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد تا شرایط ساختاری اجتماعی یا محیط پیرامونی است (غفاری، امیدی، ۱۳۹۰: ۱۱) رویکردهای عاملیت‌گرا شامل چهار رویکرد مطلوبیت‌گرایی، ارزش‌های عام، نیاز محور و رویکردهای قابلیت‌ی، رویکرد ساختارگرا نیز شامل کیفیت فراگیر اشمیت و نول و کیفیت اجتماعی است. رویکرد ساختارگرا مفهومی کامل‌تر دارد و به عنوان یک کلیت مطرح است (فتاحی، ۱۳۸۸: ۸۰). از میان رویکردهای عاملیت‌گرا نیز رویکرد کیفیت اجتماعی، نسبت به سایر رویکردها، واقع‌بینانه‌تر است. آنچه که مهم می‌نماید این است که هر یک از رویکردها ضعف‌ها و قوت‌هایی دارند. در این تحقیق سعی شده‌است، با مطالعه تمامی جنبه‌ها، از نقاط مثبت هر یک از رویکردها در فرآیند تحقیق استفاده شود؛ اما با توجه به

بیکاری یا تنهایی و...) (مرسر، ۲۰۰۷، به نقل از بندرآباد، ۱۳۹۰: ۷۳-۷۲).

داده‌ها و روش کار

جامعه آماری این پژوهش خانوارهای روستایی ساکن در بخش مرکزی شهرستان شهریار هستند. شهرستان شهریار دارای یک بخش مرکزی، ۷ شهر، ۶ دهستان و ۴۶ روستا و جمعیتی بالغ بر ۸۵۱۱۲ نفر و ۲۳۴۰۶ خانوار است روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش طبقه‌ای است و پس از طبقه‌بندی روستاهای منطقه تحقیق (برحسب جمعیت و نرخ رشد)، بطور تصادفی، روستاهایی انتخاب شدند و با استفاده از روش کوکران حجم نمونه ۳۶۳ نفر تعیین گردید. و با استفاده از روش انتصاب متناسب از طریق آماره^۱، سهم هر روستا از پرسشنامه‌ها مشخص شده است.

روستاهای دارای جمعیت بیش از ۲۵۰۰ نفر در منطقه کلانشهری تهران حد فاصل سرشماری‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ همواره با رشد بالای جمعیت و مهاجرپذیری مواجه بوده‌اند (زنجانی، ۱۳۸۲: ۷۸). در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ شهرستان‌های تهران، کرج، شهریار، رباط‌کریم، به ترتیب، مهاجرپذیرترین شهرهای استان بوده‌اند؛ همچنین طی ده سال منتهی به ۱۳۸۵ مجموعاً ۲۹۷۷۳۲۹ نفر مهاجر جذب این منطقه شده‌اند. از این میزان، ۱۳/۲ درصد در روستاهای منطقه کلانشهری تهران سکونت گزیده‌اند. نتایج سرشماری ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که افزایش جمعیت در روستاهای پرجمعیت استان تهران روند تندتری نسبت به روستاهای کم جمعیت داشته است. شهرستانهای عضو منطقه کلانشهری تهران سهم بسیاری در پذیرش مهاجرینی که به استان تهران وارد می‌شوند دارند. براساس محدوده سال ۱۳۹۰، جمعیت سال ۱۳۷۵ شهرستان شهریار ۲۴۸۹۰۸ نفر بوده که در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، به ترتیب، به ۵۰۹۴۴۱ و ۶۲۴۴۴۰ نفر رسیده است. براساس همین محدوده، در سال ۱۳۷۵ جمعیت نقاط شهری ۱۸۵۲۹۵ و نقاط روستایی ۳۶۶۱۳ نفر بوده است. جمعیت نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۸۵، به ترتیب، ۴۲۶۴۱۷ و ۸۲۰۲۴ نفر و در سال ۱۳۹۰، به ترتیب، ۵۳۹۰۴۲ و ۸۵۳۹۸ بوده است. شهرنشینی شهرستان در سال ۱۳۷۵ به میزان ۷۴/۴۴ درصد بوده است و در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، به ترتیب، ۸۳/۷۰ و ۸۶/۳۲ درصد بوده است.

متوسط تعداد اعضای خانوار در سال ۱۳۹۰ شهرستان شهریار ۳/۴۹ است، که از متوسط استان بیشتر است.

$$n_i = \frac{N_i}{\sum N_i} \times n$$

n_i = حجم نمونه در هر طبقه

N_i = حجم جامعه در هر طبقه

$\sum N_i$ = حجم کل جامعه

۱. n = کل نمونه حجم

اجتماعی و زیست‌محیطی را فراهم می‌کنند. با این حال، تفاوت‌های مهمی بین آنها وجود دارد. درحالی که معیارهای کیفیت زندگی، در نهایت، بر ویژگی‌ها و رفاه (تندرستی) مردمی که در یک منطقه جغرافیایی زندگی می‌کنند تمرکز دارد؛ معیارهای زیست‌پذیری تمایل به تمرکز بر ویژگی‌های منطقه و خدمات محل که می‌تواند به ساکنین ارائه شود دارد. از این‌رو، معیارهای کیفیت زندگی بیشتر احتمال دارد با ویژگی‌های ذهنی جمعیتی که ممکن است فراتر از کنترل سیاست‌گذاران باشد نهفته باشد؛ درحالی‌که، معیارهای زیست‌پذیری بیشتر احتمال دارد که شامل عواملی باشد که سیاست‌گذاران قادر به نفوذ باشند. به طور کلی، به نظر می‌رسد معیارهای زیست‌پذیری عملی‌تر از چشم‌انداز سیاست‌های عمومی باشد.

معیارها نیز، با توجه به سطح تجمع جغرافیایی (مقیاسه‌های شهری، منطقه‌ای و یا کشوری) و نسبت عوامل ذهنی گنجانده شده، در میان شاخص‌ها متفاوت است (Measures of liveability and sustainability, staff discussion (paper: p3).

واحد نیوغ اکونومیست (EIU) در گزارشی با عنوان «خلاص‌های از بازبینی و رتبه‌بندی زیست‌پذیری (۲۰۱۱)، در ارتباط با چگونگی محاسبه رتبه‌بندی می‌نویسد: امتیازبندی زیست‌پذیری از طریق طبقات وزن داده شده (پایایی، بهداشت و سلامت، فرهنگ و محیط‌زیست، آموزش و پرورش و زیرساخت‌ها) به دست می‌آید که، به‌طور مساوی، به زیر طبقات مرتبط تقسیم شده‌اند تا از پوشش دادن آنها به هر تعداد ممکن شاخص‌ها اطمینان حاصل آید. شاخص‌ها به عنوان قابل قبول، نسبتاً خوب (متوسط)، ناخوشایند، نامطلوب، غیرقابل تحمل امتیازبندی شده‌اند. سپس از وزن‌ها برای ایجاد رتبه‌بندی استفاده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ۱۰۰ به معنی این است که شهر در حالت ایده‌آل قرار دارد و ۱ به معنی غیر قابل تحمل است (Economist Intelligence Unit, 2011, pp 3-5).

موسسه مرسر هر سال یکبار مطالعه‌ای درباره کیفیت زیست در بیش از ۳۸۰ شهر جهان براساس ارزیابی‌هایی از ده طبقه‌بندی اصلی و ۳۸ معیار و شاخص انجام می‌دهد. شیوه امتیازبندی شهرها نسبت به شهر نیویورک در ایالات متحده است بدین ترتیب که امتیاز ۱۰۰ برای این شهر، به عنوان مبنای نظر گرفته شده و دیگر شهرها نسبت به این عدد امتیاز و رده‌بندی می‌شوند. از دیدگاه مرسر اصطلاح کیفیت زیست با اصطلاح کیفیت زندگی متفاوت است. در واقع منظور مرسر کیفیت زیست است و این شاخص‌ها به صورت عینی، خنثی و بدون تعصب بیان شده‌اند. کیفیت زندگی درباره حالت احساسی یک شخص و زندگی شخصی اوست. یک شخص ممکن است در شهری که دارای بالاترین رده کیفیت زیست است زندگی کند ولی کیفیت زندگی پایینی را به لحاظ شرایط فردی داشته باشد (بیماری،

تی‌تک‌نمونه‌ای و رابطه بین روستاها و سطح کیفیت هر یک از شاخص‌ها با استفاده از کاسکوئر سنجیده شده است. روستاهای رزکان و دینارآباد بالاترین میزان کیفیت اجتماعی را دارند و روستای دهشاد پایین نیز در بین روستاها دارای پایین‌ترین میزان کیفیت اجتماعی هستند. از عوامل مؤثر بر این تفاوت کیفیت میتوان به وسعت روستا و جمعیت ساکن در آن، فاصله تا شهر و دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی و ... اشاره کرد. در رابطه با استفاده از آزمون خی‌دو دانسته شد که میزان کیفیت اقتصادی نیز سه روستای رزکان، دینارآباد و باباسلمان مراتب بالای میزان کیفیت اقتصادی را دارند. دهشاد بالا متوسط است و اسکمان، دهشاد پایین و قلعه بها نیز در مرتبهٔ میزان کیفیت پایین اقتصادی قرار دارند. در ارتباط با میزان کیفیت زیست‌محیطی نیز می‌توان گفت که شرایطی همچون دو بعد قبلی بر روستاها حاکم است و در این بعد نیز با استفاده از آزمون خی دو، سه روستای پرجمعیت رزکان، دینارآباد و باباسلمان وضعیت بهتری نسبت به سایر روستاها در زمینه زیست محیطی دارند.

(هماندسازی اطلاعات جمعیتی استان تهران ۱۳۹۰ - ۱۳۷۵ براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۰: ۸۴).
 ۶۶۶۲۱ مرد و ۶۵۴۵۷ زن طی پنج سال گذشته به شهریار مهاجرت کرده‌اند که از مجموع ۱۳۲۰۷۸ نفر وارد شده، ۶۵۸۹ نفر در جستجوی کار و ۳۳۲۰ نفر در جستجوی کار بهتر، ۲۹۱۶ نفر در پی انتقال شغلی، ۶۰۱ نفر برای تحصیل، ۷۸ نفر پایان تحصیل، ۳۵۹ نفر برای انجام یا پایان خدمت وظیفه، ۲۸۱۷۷ نفر دستیابی به مسکن مناسب‌تر، ۷۹۷۶۵ نفر پیروی از خانوار، ۷۷۲۷ سبب دلایل دیگر بوده‌اند و ۲۵۴۶ نفر نیز دلیل خود را اظهار نکرده‌اند (www.amar.org.ir).

شرح و تفسیر نتایج

میزان کیفیت زیست و زندگی در روستاهای تحقیق در جدول‌های زیر که نتایج حاصل از آزمون تی‌تک‌نمونه‌ای و کاسکوئر را در هر یک از ابعاد زیست‌پذیری و کیفیت زندگی نشان می‌دهد. بدین ترتیب که وضعیت متغیر با استفاده از آزمون

جدول ۱: بررسی وضعیت کیفیت اجتماعی زیست‌پذیری و کیفیت زندگی

| میزان کیفیت اجتماعی | | | |
|---------------------|----------------------|---|---|
| ابعاد | مؤلفه | وضعیت متغیر | یافته‌های تحقیق |
| اجتماعی | بهداشت | افراد میزان کیفیت بهداشت و سلامت را به صورت معناداری پایین ارزیابی می‌کنند. | بین میزان کیفیت بهداشت و سلامت در روستای مورد مطالعه تفاوت معنادار وجود ندارد. در تمامی خانه‌های بهداشت روستایی تنها یک روز پزشک عمومی حضور دارد، در روستاها داروخانه وجود ندارد و طیف تنوع داروهای موجود در خانه‌های بهداشت وسیع نمی‌باشد. |
| | مشارکت و همبستگی | افراد میزان کیفیت مشارکت و همبستگی را به صورت معناداری پایین ارزیابی می‌کنند. | بین میزان کیفیت مشارکت و همبستگی در روستای مورد مطالعه تفاوت معنادار وجود دارد. روستاهایی چون رزکان، دینارآباد، باباسلمان که در مرتبه جمعیت متوسط و بزرگ قرار می‌گیرند و همچنین از نظر برخی شاخص‌های دیگر کیفیت زندگی و زیست‌پذیری نیز در وضعیت نسبتاً بهتری قرار دارند، از نظر کیفیت مشارکت و همبستگی نیز در وضع بهتری نسبت به سایر روستاها به سر می‌برند. |
| | پیوستگی و تعلق مکانی | افراد میزان کیفیت پیوستگی و تعلق مکانی را به صورت معناداری پایین ارزیابی می‌کنند. | بین میزان کیفیت پیوستگی و تعلق مکانی در روستای مورد مطالعه تفاوت معنادار وجود دارد. در این زمینه نیز سه روستای مذکور در وضعیت بهتری به سر می‌برند چرا که نه به طور کامل اما تاحدودی در وضعیتی بهتر از سایر روستاها از نظر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و ... به سر می‌برند. |
| | امنیت فردی و اجتماعی | افراد میزان کیفیت امنیت فردی و اجتماعی را به صورت معناداری پایین ارزیابی می‌کنند. | بین میزان کیفیت امنیت فردی و اجتماعی در روستای مورد مطالعه تفاوت معنادار وجود دارد. |

میزان کیفیت زندگی و زیست‌پذیری قرار گرفته است. در ادامه، به بررسی وضعیت سطح کیفیت زندگی و زیست‌پذیری، با استفاده از آزمون تی‌تک‌نمونه‌ای، پرداخته شد و سپس، رابطه روستا و سطح کیفیت زندگی و زیست‌پذیری، با استفاده از کاسکوئر، تعیین شد.

در جداول زیر، نتایج آزمون آماری تی‌تک‌نمونه‌ای برای بررسی میزان کیفیت زندگی و زیست‌پذیری آورده شده است.

الگوی سطح کیفیت زندگی و زیست‌پذیری از سه بعد قبلی تبعیت می‌کند و میزان مراتب آن در روستاهای تحقیق نیز رویه‌های قبلی را دنبال می‌کند. روستای رزکان بالاترین میزان کیفیت زندگی و زیست‌پذیری را دارد و، در مرتبه بعدی، روستاهای دینارآباد و باباسلمان قرار دارند.

دهشاد پایین نیز، با توجه به اینکه در تمامی ابعاد در پایین‌ترین مرتبه قرار می‌گرفت، در اینجا هم در پایین مرتبه

جدول ۲: بررسی وضعیت کیفیت اقتصادی زیست‌پذیری و کیفیت زندگی

| میزان کیفیت اقتصادی | | | |
|---------------------|-----------------------------------|---|---|
| ابعاد | مؤلفه | وضعیت متغیر | یافته های تحقیق |
| اقتصادی | اشتغال و درآمد | افراد میزان کیفیت اشتغال را به صورت معناداری پایین ارزیابی می‌کنند. | بین میزان کیفیت اشتغال در روستاهای مورد مطالعه تفاوت معنادار وجود ندارد. تفاوت های اندکی در این زمینه بین روستاها وجود دارد، آنچه مسلم است این است که روستاها از تنوع شغلی اندک و به تبع درآمد کمتری برخوردارند، که این امر با شدتی نسبتاً یکنواخت در میان روستاها جاری می‌باشد. |
| | مسکن | درحالی‌که کیفیت بهداشت و ایمنی مسکن از مخاطرات طبیعی از دید پاسخگویان نسبتاً مناسب بوده افراد بطور کلی، میزان کیفیت مسکن را به صورت معناداری پایین ارزیابی می‌کنند. | بین میزان کیفیت مسکن در روستای مورد مطالعه تفاوت معنادار وجود ندارد. اغلب مصالح تشکیل دهنده مسکن روستاها فلزی-آجری و آجری می‌باشد، اکثر مسکن دارای مساحت و تعداد اتاق های ناکافی هستند که این امر بین روستاهای مذکور عمومیت داشته است. |
| | حمل و نقل عمومی | افراد میزان کیفیت حمل و نقل را به صورت معناداری پایین ارزیابی می‌کنند. | بین میزان کیفیت حمل و نقل در روستاهای مورد مطالعه تفاوت معنادار وجود دارد. بسته به سطح جمعیتی روستا و نزدیکی و دوری نسبت به شهر ارایه خدمات حمل و نقلی متفاوت است. برای روستاهای نزدیکتر به شهر گزینه های حمل و نقلی بیشتری نسبت به روستاهای دورتر و کم جمعیت تر وجود دارد، هرچند گزینه های حمل و نقلی روستاهای بزرگتر و نزدیکتر بیشتر می‌باشد اما همچنان از نظر ساکنین دارای کیفیت مناسبی نمی‌باشند. |
| | امکانات و خدمات زیرساختی و آموزشی | در رابطه با وضعیت امکانات و خدمات زیرساختی و آموزشی، افراد میزان کیفیت امکانات و خدمات زیرساختی و آموزشی را به صورت معناداری پایین ارزیابی می‌کنند. | بین میزان کیفیت امکانات و خدمات زیرساختی و آموزشی در روستای مورد مطالعه تفاوت معنادار وجود دارد. |

جدول ۳: بررسی وضعیت کیفیت زیست محیطی زیست پذیری و کیفیت زندگی

| میزان کیفیت زیست محیطی | | | |
|------------------------|--------|---|--|
| ابعاد | مؤلفه | متغیر | یافته های تحقیق |
| زیست محیطی | آلودگی | در رابطه با وضعیت زیست محیطی، افراد میزان کیفیت محل از لحاظ عدم وجود آلودگی را به صورت معناداری پایین ارزیابی می کنند. کیفیت نامناسبی در رابطه با جمع آوری زباله، و همچنین کیفیت نامطلوب جمع آوری و انتقال فاضلاب از سطح روستا از دید پاسخگویان وجود دارد. اما دید پاسخگویان نسبت به کیفیت جمع آوری آبهای سطحی، آلودگی صوتی و آلودگی ناشی از فعالیت کارگاه های صنعتی مناسب است. | بین میزان کیفیت محل از لحاظ عدم وجود آلودگی در روستای مورد مطالعه تفاوت معنادار وجود دارد. بطور مثال روستاهای نزدیکتر به شهر از سیستم جمع آوری زباله بهتری نسبت به روستاهای کوچکتر و دورتر برخوردار هستند هرچند که کیفیت سیستم جمع آوری در روستاهای بزرگ نیز مناسب نمی باشد. |

جدول ۴ : One-Sample Statistics

| انحراف معیار | میانگین | تعداد | | |
|-------------------------------|------------------|---------------|--------------------------|--------------------------|
| ۹۵۳۱ | ۱۵۲۵۸ | ۳۳۷۱ | کیفیت زندگی و زیست پذیری | |
| One-Sample Test | | | | |
| Test Value = 171 ^۲ | | | | |
| اختلاف میانگین | سطح معناداری Sig | درجه آزادی df | میزان آزمون t | |
| -۱۸.۴۲ | .۰۰۰ | ۳۳۶ | -۳۵.۴۸۱ | کیفیت زندگی و زیست پذیری |

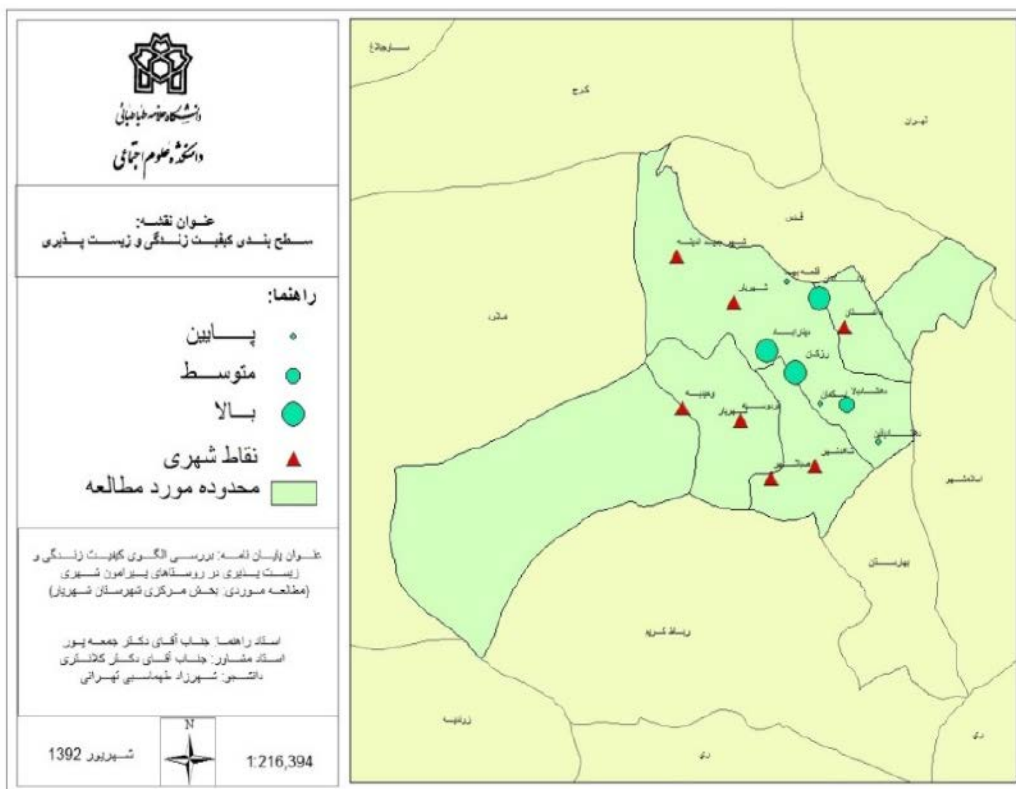
میانگین نظری است. بنابراین، می‌توان گفت که افراد میزان کیفیت زندگی و زیست‌پذیری را به صورت معناداری پایین ارزیابی می‌کنند. براساس نتایج جدول فوق، مقدار آزمون‌خی‌دو برابر با $۲۶۱/۳۵$ است و با توجه به درجه آزادی $d.f=۱۲$ ، با قبول خطای کمتر از $۰/۰۱$ ($Sig=0/000$) و درجه اطمینان بیش از $۰/۹۹$ می‌توان گفت که بین میزان کیفیت زندگی و زیست‌پذیری در روستای تحقیق تفاوت معناداری وجود دارد. شکل ۲ سطح‌بندی میزان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی را در روستاهای واقع در بخش مرکزی شهرستان شهریار نشان می‌دهد.

بر طبق مقدار آزمون $t (- ۳۵/۴۸۱)$ و با توجه به درجه آزادی $d.f=۳۳۶$ ، همچنین، براساس معدل نظری متغیر ($Test Value=171$) با قبول خطای کمتر از $۰/۰۱$ ($Sig=0/000$) و درجه اطمینان بیش از $۰/۹۹$ ، می‌توان نتیجه گرفت که منطقه تحقیق از نظر سطح شاخص‌های زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در سطح نامطلوبی قرار دارد و معنادار شده و با میانگین نظری دارای تفاوت معناداری است. براساس نتایج مندرج در جدول شماره ۳، میانگین میزان کیفیت زندگی و زیست‌پذیری از نظر پاسخگویان $۵۸/۱۵۲$ است و به میزان $۴۲/۱۸$ نمره کمتر از

۱. تعداد نمونه، به سبب وجود افراد بی پاسخ تقلیل یافته و آزمون تنها از کسانی که به همه سؤالات کیفیت و یا هر متغیر مورد نظر پاسخ داده‌اند گرفته شده است.
 ۲. به علت زیاد بودن تعداد گویه‌ها $Test Value = 171$ شده است. برای به دست آوردن معدل نظری در رابطه با آزمون تی‌تک نمونه‌ای تعداد گویه‌ها ضریب یک به‌علاوه تعداد گویه‌ها ضریب پنج و، در نهایت، تقسیم بر دو شده است.

جدول ۵ : رابطه میان میزان کیفیت زندگی و زیست‌پذیری در روستاهای مورد مطالعه

| جمع | میزان کیفیت زندگی و زیست‌پذیری | | | روستای مورد مطالعه |
|--------|--------------------------------|--------|--------|--------------------|
| | بالا | متوسط | پایین | |
| 26 | 1 | 12 | 13 | اسکمان |
| 7.7% | 1.9% | 7.8% | 10.0% | |
| 70 | 6 | 26 | 38 | باباسلمان |
| 20.8% | 11.1% | 17.0% | 29.2% | |
| 54 | 4 | 29 | 21 | دهشاد بالا |
| 16.0% | 7.4% | 19.0% | 16.2% | |
| 17 | 2 | 5 | 10 | دهشاد پایین |
| 5.0% | 3.7% | 3.3% | 7.7% | |
| 77 | 15 | 35 | 27 | دینارآباد |
| 22.8% | 27.8% | 22.9% | 20.8% | |
| 84 | 25 | 41 | 18 | رزکان |
| 24.9% | 46.3% | 26.8% | 13.8% | |
| 9 | 1 | 5 | 3 | قلعه بها |
| 2.7% | 1.9% | 3.3% | 2.3% | |
| 337 | 54 | 153 | 130 | جمع |
| 100.0% | 100.0% | 100.0% | 100.0% | |



شکل ۲: سطح بندی میزان کیفیت زندگی و زیست‌پذیری

شغلی نمی‌پندارند؛ درحالی‌که معتقدند چنین فرصتهایی در شهرهای مجاور وجود دارد. در مجموع، می‌توان گفت که میزان کیفیت زیست و زندگی در منطقه تحقیق سطح مطلوبی ندارد. دریافتن اینکه کدامیک از شاخص‌های کیفیت زندگی و زیست‌پذیری سهم بیشتری در سنجش این متغیر داشته‌اند می‌تواند گامی در جهت افزایش سطح زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای پیرامون شهری باشد؛ چرا که پس از دریافتن اینکه کدام یک از عوامل دارای تاثیر بیشتر است، با بهبود آن عامل می‌توان به سطح بالاتری از زیست‌پذیری و کیفیت زندگی رسید. با استفاده از مدل فریدمن معلوم می‌شود که متغیر کیفیت پیوستگی و تعلق مکانی بالاترین سهم را دارد. متغیر کیفیت امکانات و خدمات زیرساختی و آموزشی در رتبه دوم اهمیت، متغیر کیفیت زیست‌محیطی در رتبه سوم، متغیر کیفیت مشارکت و همبستگی در رتبه چهارم و متغیر کیفیت اشتغال در رتبه پنجم اهمیت قرار دارند. با در نظر گرفتن اولویت عوامل می‌توان با آگاهی بیشتری به برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت زیست و زندگی منطقه تحقیق پرداخت.

نتیجه‌گیری

نرخ بالای حضور مهاجران در روستاهای پیرامون شهری، مانند روستاهای بخش مرکزی شهرستان شهریار در پیرامون شهر تهران، سبب ایجاد تغییرات و دگرگونی‌های عمیق اجتماعی - اقتصادی و کالبدی شده است. از جمله تغییرات اجتماعی می‌توان به آمیختگی اجتماعی و قومیتی، سکونت در مسکن نامناسب و ناامن، بالا بودن میزان جرایم و نبود امنیت اشاره نمود که دور بودن و دردسترس نبودن امکاناتی چون روشنایی کافی معابر و پاسگاه پلیس مشکل ناامنی را تشدید می‌کند. تغییرات اقتصادی و کالبدی، تا اندازه‌ای، تنیده به هم هستند؛ چرا که عدم توانایی مالی مهاجرین در تأمین مسکن مناسب و، همچنین، عدم بازدهی مناسب زمین‌های کشاورزی سبب تغییر کاربری اراضی کشاورزی در راستای ساخت و ساز شده و به تبع این موضوع، بر مشاغل ناحیه نیز تأثیر می‌گذارد، به‌گونه‌ای که بخش خدماتی بیشترین میزان درصد اشتغال و، سپس، بخش کشاورزی در روستا بالاترین سهم درصد اشتغال را دارند. بیشتر پاسخگویان روستا را دارای فرصت‌های مناسب

منابع

A Summary of the Livability Ranking and Overview, (august 2011), prepare for opportunity TM , Economist Intelligence Unit, The Economist. www.eiu.com

AARP Public Policy Institute. 2005. Livable Communities: An Evaluation Guide. Tempe, AZ: Arizona State University Herberger Center for Design Excellence. www.aarp.org/research/housing-mobility/indliving/d18311_communities.html

AMERICAN ASSOCIATION OF STATE HIGHWAY AND TRANSPORTATION OFFICIALS, The Road to Livability, 2010, April 21, www.transportation.org. http://www.recpro.org/assets/Library/Livability/the_road_to_liveability_2010.pdf

Bullock, S.J.R. (2004), An analysis of technology quality of life in rural west texas community. A dissertation in Agricultural Education Submitted to the Graduate faculty of Texas Tech University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Education.

Das, D., (2008), Urban Quality of Life: A Case Study of Guwahati, Social Indicators Research, No. 88, 297-310.

Foo, T.S., (2000). Subjective Assessment of Urban Quality of Life (1997-1998), Habitat International 24(1): 31-49 in singapore

LIVABILITY LITERATURE REVIEW: A SYNTHESIS OF CURRENT PRACTICE; Building Regional communities, National Association of Regional Councils, www.NARC.org

National Association of Area Agencies on Aging (N4A), Blueprint for Action: Developing a Livable Community for All Ages, MetLife Foundation, may 2007, www.n4a.org, www.livable.com

Pacione, M. (2003), "Urban environmental quality and human wellbeing – a social geographical perspective". Journal of Landscape and Urban Planning, vol. 65. No.2, p.p.19-30

Supporting Sustainable Rural Communities Partnership for Sustainable Communities, In collaboration with the U.S. Department of Agriculture USDA, 2011, EPA united states Environmental Protection Agency, office of sustainable communities, http://www.epa.gov/smartgrowth

The WHOQOL Group (1995a). The World Health Organization Quality of Life assessment (WHOQOL): Position paper from the World Health Organization. Soc.Sci.Mes., 41, 1403.

Van Kamp, Irene and et al (2003), "Urban environmental quality and human well-being Toward a conceptual framework and demarcation of concepts: a literature study" Landscape and Urban Planning 65, pp.5-18.

بندرآباد، علیرضا. آزاد شاهچراغی (۱۳۹۰). شهر زیست‌پذیر از مبانی تا معانی، آذرخش. تهران.

متوسلی، محمد مهدی. حسن اسماعیل زاده. (۱۳۸۵). "رشد و پراکنش جمعیت در مناطق کلانشهری (نمونه موردی: منطقه کلانشهری تهران)". فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸.

رضوانی، محمد رضا. (۱۳۸۱). "الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران". فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳.

رضوانی، محمد رضا. حسن منصوریان، (۱۳۸۷). "سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی". فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۱-۲۶.

رضوانی، محمد رضا. علیرضا شکیبیا، حسن منصوریان. (۱۳۸۷). "ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی". فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱.

رضوانی، محمد رضا. حسن منصوریان، فاطمه احدی. (۱۳۸۹). "ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی"، پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۱.

حبیب اله زنجانی. (۱۳۸۲). مجموعه شهری تهران: گزیده مطالعات جمعیتی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

همانند سازی اطلاعات جمعیتی استان تهران ۹۰-۱۳۷۵ براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۰-آذر ۱۳۹۱- وزارت کشور، استانداری تهران، معاونت برنامه ریزی، دفتر آمار و اطلاعات.

محمد امین خراسانی. (۱۳۹۰). تبیین زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی (مطالعه موردی شهرستان ورامین)، رساله دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.

احد اله فتاحی. (۱۳۸۸). سنجش کیفیت زندگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان). به راهنمایی دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

غلامرضا غفاری، رضا امیدی. (۱۳۹۰). کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی. تهران: شیرازه، چاپ دوم.

نوغانی، محسن. دخت بهمنی، احمد رضا اصغر پور، ماسوله قمیشی صفا، مهدی کرمانی (۱۳۸۷). "کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد"، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد.

Explaining the level of livability and quality of life in surrounding village (casestudy: the Central City of Shariar)

Mahmoud Jomepour _ Shahrzad Tahmasbi tehrani

The purpose of this study was to evaluate quality of life and livability in rural central city of Shahriar in Tehran, Dimensions and indicators of quality of life and livability is common such that to assess the viability of quality of life as a common approach to the topic is used to assess viability. Research direction is based on the location-based quality of life. In addition to data collection, library studies, is a survey, and the Cochran formula for determining the sample size of 362 patients and their families and Analysis Unit of the heads of families was determined by. Order to select the classification method group villages Venture Towns and classified using seven villages were selected randomly, and finally using the proportional contribution of each village turned out questionnaires. Then examine three dimensions of economic, social and environmental were studied in the villages. response to questions from the test T One-sample t and chi-square were used. The results indicate that the quality of life and livability in the study villages are located in low viability and quality of life and in all social (health, Solidarity and social participation, cohesion and belonging, place, person, and social security), economic (employment, income, housing, transportation, infrastructure and educational facilities), and environmental (Quality place in the absence of infection) assessments are down significantly, and no significant difference also in terms of livability and quality of life in villages in the study area there.

Keywords: livability; quality of life; the villages surrounding the city; the central city of Shahriar; Tehran.